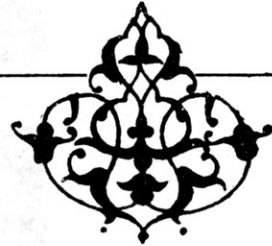




حج در آینه ادب فارسی

حج نامه
شام بقیع
ای منا

حج نامه



علی نیکزاد

حجّ پاسخ به دعوتنامهٔ خدا و دعوت و ندای ابراهیم - ع - است.
حجّ، پرواز معنوی و تمرین برای لقاءالله است.
حجّ، یک هجرت است.
حجّ، گذشتن از علاقه‌هاست.
حجّ، از خود گذشتن و به خدا پیوستن است.
حجّ، بازنگری تاریخ انبیاست.
حجّ، نشان از ژرفای تاریخ نورانی انبیا و اولیای الهی دارد.
حجّ، گردهمایی پاکان و نیکان، وارستگان معنویت‌گرا و از دنیا رستگان آخرت‌گراست.
حجّ، نمایشی جامع از سیر روحی انسانهای کامل در مسیر تقرب به خداست.
حجّ، پیام‌آور ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از ردائل مادی و معنوی است.
حجّ، تجلّی و تکرار همهٔ صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعهٔ متکامل در دنیاست و مناسک حجّ، مناسک زندگی است.
حجّ، باز ساخت عرصات قیامت است.
حجّ، هم رهبانیت اسلام است هم قوام دین و دنیا.
حجّ، هم منافع است هم ذکر خدا.



حجّ، هم عبادت است هم سیاست.

حجّ، هم سیاحت است هم زیارت.

حجّ، هم فرد است هم جامعه.

حجّ، یک آموزش تمرینی همه جانبه و یک مانور جامع الاطراف سیاسی، عقیدتی و نظامی برای تحریک روح حماسی و احیای غیرت دینی و اسلامی در جامعه اسلامی است.
حجّ، به آدمی می آموزد که در راه زندگی باید از یار و دیار، مال و منال، زن و فرزند و همه علقه‌های زندگی برید.

حجّ، ترکیب یافته از عناصر سکون، تأمل، تدبّر، تفکر، حرکت، تلاش، کار و پیکار است.

حجّ، سنّت ابراهیم بت شکن است.

حجّ، تراکم قوای متکثره در نقطه واحد است.

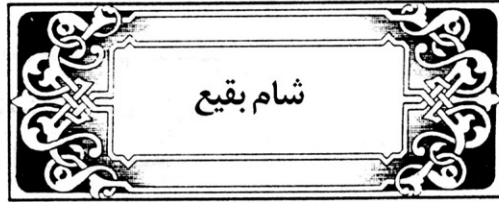
حجّ، بازار آزاد آخرت است.

حجّ، پیمانی دوباره با محمد - ص - است.

حجّ، دعوت است، دعوتی برای نمایش پرشکوه عشق، ایثار، سعی، تلاش، توکل، شناخت، ستیز با یأس‌ها، نگریستن هوشمندانه به آرمانها و آرزوهای بلند، زمزمه با الله، همراه شدن با پیامبر - ص -، آشنا شدن با رازها و رمزهای این تعلیم بزرگ و زمینه‌های خودسازی و انسان‌سازی.

حجّ، مبارزه با شیطان و خودپرستی، اعلام برائت از شرک و وابستگی به راه پیامبران است.

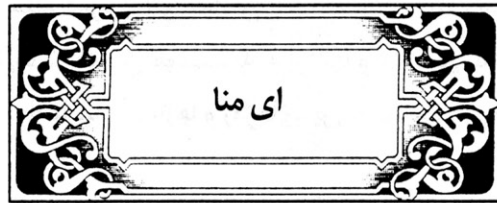
حجّ، کانون آشنایی و ارتباطات امت بزرگ اسلامی و اردوی آگاهی و آزادی و خودسازی است.



اشعری

از آن همه نشیب و فراز، از خطر گذشت
چه خاطرات پرخطری از نظر گذشت
روز مدینه و شب مکه دگر گذشت
از درك كنه آن نشدی باخبر، گذشت
پیغمبری که از پسر و سیم و زر گذشت
شام بقیع رفت و نسیم سحر گذشت
کم کم ز خاطر من و تو ای پدر گذشت
از دیگران گذشته و از هم سفر گذشت

بیدار باش جان من، عمر سفر گذشت
فرصت شمار این دو سه روزی که مانده است
سعی صفا و مروه و قربانی منا
طواف حریم کعبه و قربانی منا
اینجا خلیل‌گونه تلاشی دوباره کن
شبها کنار خاک بقیع، اشک و گریه بود
شوق مزار تربت پاک رسول حق
ای «اشعری» بگو تو چه کردی در این سفر



سید مجتبی اطیونی زاده

ای زاشک انبیاء، خاک تو گل
ای زاه خسته، دلها سوخته
مصطفی صورت نهاده روی خاک؟
بانگ «لبیک» امیرالمؤمنین؟
بوده جاری در دعا اشک حسین «ع»؟
خیمه‌گاه مهدی زهرا «ع» کجاست؟
گفتگو با یوسف زهرا کنم

ای منا! ای سرزمین اهل دل
ای منا! ای وادی افروخته
در کجای دامت ای خاک پاک
در کجا ای خاک، خیزد از زمین
در کجای دامت از هر دو عین
جایگاه قبله دلها کجاست؟
دوست دارم رو در آن صحرا کنم